

از خود همان دهی که میگیرند برای معارف همان ده مصرف کنند در واقع این جادو خدمت است یکی از حیث تحصیل اجباری که همه آقایان در نظر دارند در تمام مملکت مجرا شود اگر این ترتیب خصوصی را درست میکنند آن تعلیم عمومی اجرا نخواهد شد و نظر آقایان حفظ نخواهد شد.

ولی اگر این صورت خصوصی محفوظ شود تصور میکنم آن نظر تعلیمات عمومی اجباری در تمام مملکت مجرا شده و اگر چیزی از دست رنج رعیت گرفته می شود به مصرف خودش میرسد این است که اگر آقایان آن تفاوت را قبول بفرمایند که مال هر محلی به مصرف محل خودش برسد.

در تمام مملکت یک خدمتی شده و ترویجی هم برای معارف شده و برای صحیح هم به عقیده بنده اگر بخواهیم این مقدار را صرف کنیم آن وقت هر دو قسمت ناقص خواهد ماند بنده عقیده ام این است که اختصاص به معارف بدهیم و از برای صحیح هم یک راه دیگری پیدا کنیم و در یک موقع دیگری پیش نهاد کنیم.

مخبر - پیشنهاد آقای بیات را قبول میکنم.

وزیر معارف - بنده میخواستم یک مسئله را در ضمن پیشنهاد آقای بیات عرض کنم.

ولی برای اینکه آقایان بفرمایند که چون امروز متصدی وزارت معارف هستم این عرض را میکنم عرض میکنم چندی قبل هم در موقع مدافعه از بودجه مملکتی این عرض را کردم مخصوصاً راجع به معارف ایالات و ولایات چند روز قبل هم در موضوع پیشنهاد آقای ساکنیان عرض کردم که این طرح وقتی ممکن است قابل قبول شود که وسائل عمل را مجلس شورای ملی فراهم کنند و مخصوصاً هم همین چند روزه بنده مذاکراتی با وزارت مالیه میکردم که یک چیزی را برای معارف تخصیص بدهند که بمجلس بیاید و از تصویب بگذرد.

امروز که خوشبختانه آقایان متوجه این نکته شدند بنده به آقایان نمایندگان تذکر میدهم که بودجه معارف تمام مملکت ایران فقط صد و هشتاد هزار تومان است حالا با این حال بسته بنظر آقایان است اگر این را تصویب بفرمایند البته در مدارس در ولایات و ایالات و قصبات و قرائیکه بکلی از معارف دورند دائر می شود و اگر از تصویب نگذرد باید تکلیف دیگری معین شود.

نایب رئیس - آقای شریعت زاده (اجازه) شریعت زاده - عرض میکنم چون تأثیر

قبول پیشنهاد ایشان قابل اهمیت است بنده قبول میکنم

نایب رئیس - رأی می گیریم باده اول

حائری زاده - بانصرت .

نایب رئیس - اگر تأمل کشید به هم میرسیم. رأی میگیریم باده اول که مشتمل بر چهارده جزء دو تبصره است با حذف کلمه یادک بر حسب پیشنهاد آقای شیروانی آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اكثر قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد. اگر آقایان موافقت کنند جلسه را ختم میکنیم جلسه آتی به روز سه شنبه چهار قبل از ظهر دستور بقیه قانون ممیزی .

(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد)

نایب رئیس مجلس شورای ملی سید محمد تدین منشی م . شهاب منشی دکتر احتشام طباطبائی

جلسه ۲۰۱۴ صورت مشروح مجلس ۳ شنبه هفتم مهر ماه هزار و سیصد و چهار

مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر ریاست آقای حسینخان پیرنیا تشکیل گردید.

(صورت مجلس یکشنبه پنجم مهرماه را آقای آقا میرزا شهاب قرائت نمودند)

رئیس - آقای شوشتری (اجازه)

شوشتری - بنده قبل از دستور عرض دارم .

رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - قبل از دستور عرض دارم .

رئیس - آقای حاج حسن آقا (اجازه)

حاج حسن آقا - بنده هم قبل از دستور عرض دارم .

رئیس - آقای دست فقیه (اجازه)

دست فقیه - آقای فرمند را غائب بی اجازه نوشته اند در صورتیکه ایشان بی اجازه نیستند کمیسیون مرخصی ایشان را تصویب کرده است ولی چون کمیسیون مخبر نداشته است خبر آنرا بمجلس نیاوردند باید با اجازه ثبت شود .

رئیس - صورت مجلس اشکالی ندارد؟

حائری زاده - بنده عرضی دارم .

رئیس - بفرمائید .

حائری زاده - یک مسئله است که در اداره مباشرت هم محل ابتلاء شده است و در صورت مجلس امروز هم نوشته نشده

است و آن موضوع غیبت آقای رئیس است. در صورت مجلس هم نداشت که آقای رئیس جزء غائبین هستند در صورتیکه مجلس در تحت ریاست آقای نایب رئیس تشکیل شده غیبت تا در صورت مجلس تصریح نشود که بی اجازه یا با اجازه بوده است تکلیف اداره مباشرت معلوم نمی شود که آیا جریمه تعلق میگیرد یا نه؟

این بود که خواستم استهزا کنم که در این صورت مجلس اصلاح شده و برای دفعات بعد هم تکلیف معلوم شود .

رئیس - صورت مجلس ایرادی دارد یا نه؟

آقای دادگر (اجازه)

دادگر - بنده یک عرض اجمالی داشتم و آن این است

رئیس - در صورت مجلس مخالفتی دارید؟

دادگر - خیر اگر صورت مجلس تصویب نشده است فعلاً حرفی ندارم .

رئیس - آقای شوشتری (اجازه)

شوشتری - بنده عریضی که میکنم مبنی بر حفظ حیثیت مجلس شورای ملی است .

البته بر تمام مافرض است که حیثیت مجلس شورای ملی را حفظ کنیم اگر حیثیت مجلس شورای ملی حفظ شد حیثیت فرد فرد ما محفوظ است .

آقای مدرس یک اظهاراتی فرمودند البته همه ماها از این پیش آمد متأثریم ولی یک شهرتهائی در طهران داده شده است که عمده برای من بیچاره است خلاصه مطلب این است و این عرضی که میکنم از نقطه نظر عزیز نیست زیرا من هر عقیده دانسته باشم نماینده مجلس شورای ملی هستم .

می آئیم اینجا و اظهار عقیده خودم را میکنم و از هیچ مقامی هم ملاحظه نمی کنم و از نقطه نظر اینکه یک عده اگر بنا شود برخلاف واقع یک شهرتهائی بدهند و یک عناصری را متهم کنند باقترا و کذب و دروغ و تهمت و هر چه تصور بفرمائید بر خودم حتم و فرض دیدم که بیایم در این مقام رسمی و رسماً عرض بدارم که شهرت هائی که نسبت بمن داده اند تمام افترا و کذب بهتان است .

بنده آنروز یک نفر عابر بودم و از بازار عبور میکردم ریختند بنده را کشیدند از دست آنها فرار کردم آمدم بمجلس و رفتم در کمیسیون عریض بعد آمدند گفتند جمعی آمده اند بمجلس شورای ملی بنده با آقای حاج حسن آقا ملک و فهیم الدوله امیر اشرف از درب مطبوعه رنتم بیرون سوار شدیم رفتم شمیران حالا مراجعت کردم آنجا هم یک واقعه عجیبی برای بنده پیش آمد از انومبیل پرت شدم علت اینکه در یک شهری یک نفر نماینده را مورد تهمت

وافترا قرار میدهند چیست؟

بنده میدانم از چه ناحیه است از همان ناحیه است که میخواهند آب گل آلود شود و ماهی بگیرند از آن ناحیه است که میخواهند درختی که در این مملکت تازه بشمر میرسد قطعش کنند و نگذارند میوه بدهد . بنده دشمن شخصی دارم .

بنده هیچ عبارتی (با حفظ عقیده خودم) نگفته ام و عقیده ام این است که نماینده نباید در اجتماعات برود زیرا دو سال قبل هم رئیس محترم مجلس شورای ملی اعتراض کرده بودند یکی از نمایندگان که چرا در اجتماعات رفته اید که مورد اعتراض واقع شوید .

بنده تکذیب میکنم چیزی نگفته ام چرا از هر ناحیه این کلمات را برای من میگویند برای اینکه بنده و اغلب آقایان بوظیفه نمایندگی عمل کرده ایم بیست روز قبل بنده راجع بنان و جریانات دیگر در مجلس حرف زدم با تمام عقیده حرف زدم

بنده ملاحظه نمیکنم و این عریضی که میکنم نه از ترس جان است و نه از ترس چیز دیگر .

والله بالله تاله از طرف مغرضین و مفسدین این انتشارات را میدهند ای والدی فانی الحبه و برعالفسمه

نظر باینکه خاطر محترم نمایندگان را تذکر بدهم که خاطر محترم آقایان متوجه شود عرض میکنم از همان نواحی نسبت به آقای مشیرالدوله اسائه ادب کردند و خیال داشتند نسبت بمقام محترم ریاست هم اسائه ادب کنند و شاید استقلال مملکت را بر باد دهند .

جمعی از نمایندگان (با همه) اینطور نیست .

رئیس آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - عرضی ندارم

رئیس - آقای حاج حسن آقا (اجازه)

حاج حسن آقا ملک - بنده راجع بکمیسیون عریض میخواستم شرحی بعرض آقایان و کلاً محترم برسانم .

کمیسیون عریض یکی از کمیسیون های پر مشغله مجلس شورای ملی است و بالتیجه هفته شش روز منقضی میشود متظلمین مجلس شورای ملی وقتی در دوائر دولتی از هر جهت راجع باجرای قوانین مأیوس میشوند بالاخره متوسل میشوند بمجلس شورای ملی در عرض این مدت که بنده ذر کمیسیون عریض مشغول خدمت بودم اغلب مراجعانی که بوزارتخانه ها شده است بایک جوابهای غیر قانونی داده اند .

یابگلی از موضوع خارج بوده است غیر از وزارت جنگ و مسئله وزارت جنگ راه تصور نشود که بنده از نقطه نظر کلمات عادی نایب ناجی نادرو امثال اینها میگویم خیر یک دوسه هائی در کمیسیون عریض تشکیل شده است جواب هائی که از وزارت جنگ رسیده است اغلب رضایت بخش بوده است بکمیسیون عریض یک تهاجماتی می شود و یک اعتراضاتی میکنند .

بنده تصور میکنم که اعتراض اغلب از متظلمین دارد باشد زیرا کمیسیون عریض که بنده عرض کردم کمیسیون خیلی مهمی است کمیسیون با این آب و تاب فقط وسیله ارسال مراسلات است حدودی برای این کمیسیون معلوم نشده که این کمیسیون اگر دید یک وزارتخانه بیک نفر تمدی کرده است تکلیفش چیست ؟

مثل اینکه یک وزارتخانه رسانوشته است بوزارت عدلیه که هر حکمی از عدلیه بر علیه این وزارتخانه صادر شود این وزارت خانه آن حکم را موثر نمی داند و بالاخره یک شخصی متظلمی حکمی صادر کرد است از وزارت عدلیه و وقتی که می آید اینجا اجرای حکم را میخواهد و به آن وزارت خانه مراجعه می شود یک جواب هائی میدهند که بگلی از موضوع خارج است .

بنده میخواستم از آقایان و کلاء محترم استدعا کنم که یک فکری برای کمیسیون عریض بفرمایند که مردم بالاخره از کمیسیون عریض مأیوس نشوند و عرض دیگری ندارم همین را خواستم بعرض برسانم

جمعی از نمایندگان - دستور رئیس - وارد دستور شویم؟ جمعی از نمایندگان - بلی رئیس - ماده دوم قانون ممیزی قرائت میشود

(بشرح ذیل خوانده شد) ماده دوم - در صورتی که مأمورین مالیه بواسطه بدی جنس از قبول عین محصول ملکی استنکاف نمایند مودی مالیات میتواند بقیمت متوسطه جنس آن بلوک در شهر یور ماه و مهر ماه نقداً تسعیر نموده قیمتش را بپردازد .

تبصره - مقصود از مالیات جنس گندم و جو و شلتوک است و بقیه عایدات تسعیر و جزو مالیات نقدی منظور خواهد شد رئیس - آقای میرزا یداله خان (اجازه)

آقای میرزا یداله خان - بنده موافقم رئیس - آقای عباس میرزا (اجازه)

عباس میرزا - بنده مخالفتم با این ماده دوم بواسطه این مسئله اخذ جنس است اصلاً بنده تصور میکنم اشکالی که در اداره مالیه ایران هست بواسطه اخذ جنس است تمام زحمت هائی که برای جمع آوری و

انبار کردن و حمل و نقل آن می شود تمام از طریق اخذ جنس است و عقیده بنده این بود که بواسطه این برای سایر حقوقات نقداً تصویب می شود برای گندم و جو و شلتوک هم یکجداً متوسطی تعیین کنند و هر دهی یک مالیات نقدی ببندند و مالیات نقدی بگیرند .

اولاً این ترتیب بودجه مملکتی را متزلزل نمیکند و اگر بنا باشد مالیات را از این جنس بگیرند چون قیمت گندم در هر سال فرق میکند یکوقت خرواری ده تومان یک وقت خرواری ۲۰ تومان است این ترتیب بودجه مملکتی را متزلزل میکند و برای مودیان مالیات هم اسباب اشکال است و شکایاتی که اغلب از مالیه می شود بواسطه آنها و ته انبارها است و این ترتیب هم اسباب زحمت مأمورین مالیه و هم اسباب زحمت رعایا است .

بعلاوه اخذ مالیات از عین جنس در تمام دنیا متروک شده است .

پس حالا که مجلس یک اصلاح اساسی در وضع مالیات میکند این مسئله را هم که بعقیده من یکی از قضایای مهم است خوب است اصلاح کنند .

این بوده عقیده بنده و پیشنهادی هم در این موضوع تقدیم خواهم کرد که مالیات نقداً گرفته شود

مخبر - قسمت عمده اظهارات شاهزاده عباس میرزا این بود که ممکن است مالیه در موقع تعیین جنس را تعویل نگرفته و بگذارد برای آخر سال و از این راه اشکالی برای مودیان مالیات فراهم شود ولی یک اختیار هائی در این ماده ب مالیات دهنده داده شده است که هر وقت بخواهد مالیات خودش را بپردازد در دو ماه که عبارت باشد از شهریور ماه و مهر ماه تعیین شده است که حتماً بپردازد اگر چنانچه تأخیری بیفتد بعقیده خود مالیات دهنده است والا اگر مالیات دهنده جنس را بخواهد تعویل بدهد مأمورین مالیه مجبورند تعویل بگیرند و بعقیده بنده این قسمت اشکالی ندارد .

رئیس - آقای دامغانی (اجازه)

دامغانی - بنده اگر چه اساساً معتقدم که همانطور که شاهزاده اظهار کردند بایستی مالیات نقدی بشود زیرا هم صرفه دولت در این است و هم صرفه مردم اما صرفه مردم یکی تفاوت کرایه است .

الان حکم میکنند که از سه فرسخ تا ه فرسخ جنس را بیاورند و انبار تعویل دهند و وقتی که نقدی شد این قسمت از بین میرود .

قسمت دیگر تفاوت سنک است در انبار هم هست .

قسمت دیگر تفاوت آفت است که این مسئله جای جزرومد است برای مأمورین سوء که میتوانند استفاده کنند و مردم را

تحت فشار بگذارند و اگر مالیات نقدی شود مردم از تمام این زحمت راحت می شوند دولت هم راحت می شود برای اینکه بخارجش کمتر است انبار و انبار دار نمیخواهد . اساساً عقیده بنده این است که مالیات باید نقد باشد و از آن طرف هم برای اینکه جنس داشته باشد همان خالصجات دولت و خالصجات انتقالی که در آتیه تکلیف معلوم خواهد شد کافی خواهد بود و بعقیده بنده مالیات باید نقدی باشد که هم صرفه مردم و هم صرفه دولت را متضمن باشد .

بالاخره اگر هم بنا شود جنس بگیرند این ماده اختیار را بگلی مالیه داده است که جنس بگیرند و اگر جنس بدشد و مالیه نخواهد در آنجا مالیات دهند تسعیر کنند این چیز غریبی است اگر مالیات جنسی است مالیه مکلف است هر چه جنس ملک است بگیرد و اگر نقدی است هم را نقدی بگیرند و هیچ فلسفه ندارد که مالیات را جنس معین کنند و اختیار را بدست امین مالیه بدهند که در هر کجا میل دارد نقدی و در هر کجا میل دارد جنس بگیرد بعلاوه تسعیر هم معلوم نیست همه ساله باید تسعیر شود یا اینکه همان یک دفعه است .

لذا عقیده بنده این است که مالیات نقدی باشد اگر هم مجلس نظر دارد که حتماً جنس باشد این ماده را حذف کنند و بنویسند وزارت مالیه مکلف است عین جنس محصول آن ملک را از مالیات دهند بگیرد

رئیس - آقای آقاسید یعقوب (اجازه)

آقاسید یعقوب - بنده هم مخالفم رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - کلیه اگر ما وسائل حمل و نقل داشتیم می شد که مالیات را جنسی کرد ولی حالا که وسائل حمل و نقل بقدر کافی نداریم نمی شود زیرا در تمام نقاط ایران اینطور نیست که جنس مشتری داشته باشد در نواحی ایران جاهائی هست که جنسشان صوماً گندم و جو است

و وقتی بخواهند بفرشند سالی که جنس خوب است قیمت آن تقریباً خرواری ۴ تومان یا کمتر است و شش یا هفت ماه جنس می ماند مشتری برایش پیدا نمی شود و اگر هم بنا باشد مالیه بخواهد مالیات را نقد بگیرد این بر ضرر رعایا است زیرا باید ارزان و سلف نفروشد و مبلغی ضرر میکند .

البته باید جنس را جنس و نقد را نقد بگیرند . از آن طرف این اختیار را که می فرمایند ب مالیه داده اند شاید مودیان مالیات داده شده زیرا نوشته نشده است چقدر تسعیر کنند نوشته شده است در شهریور ماه و خود مالیات دهنده تسعیر نماید بعقیده بنده مالیات جنس باید جنس و نقدی نقد باشد .

حالا اختیار مالیه را میخواهند محدود کنند بنده هم عرضی ندارم ولی در این قسمت که باید جنس باشد بنده جداً موافقم . البته باید آسایش مردم را هم در نظر گرفت .

اینکه می فرمایند نقد بدهند از کجا بدهند؟ بلی اگر ما خط آهن داشتیم که ممکن بود جنس را زود باطراف حمل کنند و بفروشد صحیح بود ولی غالب اوقات میشود که اداره مالیه هزار خروار جنس دارد و هر چه اعلان میکند کسی نمیخرد خوب است بدفاتر مالیه مراجعه فرمایند تا صدق عریض بنده معلوم شود (بعضی از نمایندگان گفتند مذاکرات کافی است و همه میگفتند کافی نیست)

رئیس - رأی می گیریم بکفایت مذاکرات آقایانیکه مذاکرات را کافی می دانند قیام فرمایند .

(چند نفری قیام کردند) رئیس - تصویب نشد آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - چون این قانون یکی از قوانین فوق العاده مهم است لذا هر چه در اطرافش بیشتر مطالعه و شور شود بهتر است مادر سربك مسائل جزئی مدتها حرف می زنیم اما در موضوع یک همچو قانون باین مهمی خاصه اینکه مالیات را نقدی بگیریم یا جنس باین زودی نباید گفت مذاکرات کافی است .

بنده عقیده ام اینست که مالیات بطور عموم باید نقدی باشد چنانچه در شور اول هم این پیشنهاد را کردم زیرا هم صرفه دولت است و هم اسباب آسایش و رفاه مودیان مالیات اعم از رعیت یا مالک خواهد بود . مالیات جنس اولاً همیشه بودجه مملکت را در حال تزلزل نگاه می دارد برای اینکه نرخ جنس هر سال تفاوت دارد و در هر سال ممکن است پنج شش کرور از این بابت عایدی داشته باشیم .

یعنی بقیمت های مختلف مالیاتهای جنسی داشته باشیم و وقتی تقدیم کنیم ممکن است یک میلیون در آخر سال تفاوت عمل داشته باشیم و میزان کلی را که در موقع تعیین بودجه در نظر گرفته می شود نمی توان مناط قرارداد زیرا محتمل است یک میلیون مثلاً از بابت کسر قیمت کسر عمل پیدا کنیم و در نتیجه آخر سال بودجه مملکتی را متزلزل کند .

باین جهت باید مالیات نقدی شود و اگر فرضاً دولت جنس لازم داشته باشد ممکن است خریداری کند و مثل یک نفر کاسب معامله میکند و هیچ اشکالی هم ندارد چنانچه الان هم همینطور است چون اداره ارزاق نمی تواند با مالیات جنس دولت ارزاق مرکز و شهرها را اداره کند لذا مجبور است جنس خریداری کند - یکی

از مضرات جنس که تعهیل بر ملت است مخارجی است که بوصول مالیات جنسی تعلق میگیرد در صورتیکه مالیات نقدی این مخارج را ندارد.

اولاً انبارداری يك مخارج مفصلی دارد که این انبار در نقاط مختلفه خودش يك خرج فراوانی است اگر بخواهند انبار ها را در نقاط مختلفه درست کنند مخارج گزافی را دولت باید تحمل کند و اگر نتکنند اسباب زحمت رعیت باید دومن یا ه فرسنگ ۱۰ فرسنگ رعیت باید دومن یا ه من جنس را بدوش گرفته و بیارود و تحویل انبار بدهد و مدتی هم معطل شود و از کارش بیکار شود و بقدر قیمت آن ه من جنس که میبخواهد تحویل بدهد از کار بیکار و متضرر میشود.

چنانچه الان هم علاوه بنظر است و باید رعایت خورده مالک را هم نمود - فقط مزارعی که مال انفر است نباید در نظر گرفت وضعیت خورده مالک هارا هم باید ملاحظه کرد آن کسیکه میخواهد صد خروار جنس تحویل بدهد چندان اشکالی ندارد ولی برای آن دهی که چندین خورده مالک دارد و هر کدام باید سی من ۵۰ من ۲۰ من بدهند ملاحظه بفرمائید چقدر اسباب زحمت و مرارت است دیگر از چیزهایی که باید در نظر گرفت ه در سال هائیکه مثل امسال با هزار و سیصد سوس و شش سغت است اگر نرخ فله ترقی کرد و بخرواری ۵۰ تومان رسید چطور مودیان مالیاتی میتوانند عین جنس را بپردازند زیرا البته در سالهای سختی محصول و آذوقه کم است و مردم در مضیقه هستند و از این لحاظ مردم از عهده پرداخت جنس بر نمی آیند چنانچه همین امسال هم مردم در زحمتند از یکطرف مأمورین مالیه ب مردم فشار می آورند که عین جنس از مردم بگیرند و از طرف دیگر هم مردم ندارند بدهند از اطراف تقاضا میکنند که جنس آنها را تسعیر کنند پولش را بدهند ولی مالیه اجازه تسعیر نمی دهد و جنس و بذر آنها را ضبط می کند و خود این مسئله ممکن است یک اعطه و خسارت بزرگی هم بزراعت سال آتی وارد سازد تمام این مسائل را باید در نظر گرفت و تصدیق باید کرد که روی هم رفته گرفتن مالیات جنسی فوق العاده برای رعیت مضر است و برای دولت هم صرفه ندارد و نمیشود در موقع ممیزی دو سال جنس اطراف طهران را در ۲۰ تومان یا ۳۰ تومان تسعیر کرد ولی در سال هائیکه صد تومان قیمت جنس است همین جنس را گرفت در صورتیکه همه ساله يك تفاوت عملی در کار بوده است در هر صورت بعقیده بنده اگر مالیات نقدی شود و در وصول و ایصالش يك میزانی قائل شویم هم برای رعیت صر نه دارد هم برای دولت زحمتش کمتر است .

اینجا در ماده دوم نوشته شده اگر مأمورین مالیه دلشان نخواست جنس را تحویل بگیرند آنوقت مودیان مجبورند تسعیر کنند ولی عکس آن را هیچ پیش بینی نکرد که اگر مردم جنس نداشتند بدهند در این مورد هم مأمورین تسعیر کنند و پولش را بگیرند.

بعقیده بنده این ماده دوم بکلی باید لغو و یک ماده دیگری بجایش نوشته شود که کلیه محصول در موقع ممیزی تسعیر شده و نقداً اخذ شود بیشتر استفاده مأمورین سوء مالیه هم در همین موقع تسعیر است پس اگر مالیات را نقدی کنیم بهتر است و در مدت این ده سال ممیزی تکلیف همه معلوم و مردم راحت میشوند و بعقیده بنده حقیقتاً اگر ما این کار را بکنیم يك خدمت بزرگی باین مملکت کرده ایم و آقایان بخوبی میدانند در موقع عمل وضعیت از چه قرار است.

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - بنده مخالفم پس از يك موافق معاون وزارت مالیه - مشکلاتیکه آقا در باره ماده دوم اظهار کردند خیلی محسوس است و وزارت مالیه در خیلی از موارد و مواقع باین مشکلات برخورد است و همین طور ه هست که فرمودند در صورتیکه عین جنس گرفته شود ممکن است مشکلاتی در موقع آجور جنس از حیث نوح جنس و غیره اتفاق بیفتد و فرضاً اگر مأمورین مالیه هم نخواهند از حدود مقررات قانونی خود تجاوز کنند معذالك باز عنوان بدست مودیان مالیات هست.

پس چه بهتر از این است که آن عنوان هم برداشته شود. از این جهت وزارت مالیه در این سنوات اخیر در این موضوع وارد شده که بلکه نوعی بتواند با رعایت صرفه دولت و در نظر گرفتن رفاه و آسایش عامه جنس مالیاتی را تسعیر و در عوض نقدی دریافت کنند و تا اندازه هم داخل در این عمل شده و باید بعضی از آقایانهم که نزدیک بکار بوده اند اطلاع داشته باشند از ملاکین اطراف و حومه تقاضا ها شده و در این باب کمیسیونها شده و مذاکرات مفصلی بعمل آمده که بلکه انشاءالله با رعایت تمام اطراف و جوانب يك صورتی باین کار داده شود و جنس تبدیل بنقد شود ولی گمان نمیکنم این يك چیزی باشد که در این موقع و در این ماده بانتهی يك کلمه یا حذف يك عبارتی بتوان مقصود را بعمل آورد زیرا این کار وقت های زیادی لازم دارد و يك امری است که در جای خودش خیلی مهم است و باید بوسیله لایحه مخصوص تقدیم مجلس شود و امیدوارم در موقع خودش صورت بگیرد. رئیس - آقای حائری زاده. (اجازه)

حائری زاده - این ماده دوم يك قسمت از معايش را آقای با آئی بیان کردند و بعقیده بنده اگر بتوانیم مالیات جنسی را بکلی از بین ببریم و مبدل بنقدی کنیم خیلی بهتر است و با وضعیت فعلی مملکت باید این تبدیل جنس نقد بعمل آید.

يك پیشنهادی هم تقدیم مقام ریاست کرده ام. این ماده می نویسد: در صورتیکه مأمورین مالیه بواسطه بدی جنس از قبول عین محصول استنکاف کردند و مودیان مالیاتی مجبورند پولش را بدهند.

روح این ماده این است در صورتیکه بنده عکس این مسئله را معتقدم و عقیده دارم مالک ملک اگر صرفه و صلاحش را در این دید که تسعیر کرده پول جنس را بدولت بدهد مختار است و اگر چنانچه وضعیت محلی طوری است که نمی تواند پول بدهد مأمورین مالیه مجبور باشند عین جنس را از قبول کنند بنده عکس این ماده را پیشنهاد کردم و در موقعی که پیشنهاد بنده مطرح میشود عریض خودم را عرض خواهم کرد.

رئیس - آقای سید یعقوب (اجازه)

آقای سید یعقوب - بنده هم مخالف بودم این ماده موافق ندارم رئیس - آقای اجاق (اجازه)

آقای سید حسن اجاق - در اینجا عرض آقایان میرسانم هر جای مملکت يك وضعیت مخصوصی دارد نباید تصور شود که همه ساله هم مثل امسال خواهد بود. همه ساله معمولاً در بعضی از نقاط مخصوصاً در غرب طوری است که دو سال و سه سال کندم همینطور می ماند و بهیچوجه خریدار و مشتری ندارد و سایل تنلی هم که در مملکت مانده است تا بتوان جنس را از این شهر بشهر دیگر حمل شود - مشتری هم ندارد زیرا هر کس بقدر خودش انبار رد غیره دارد که محتاج بخیریدن نباشد از این جهت برای مالک یا رعیت مقدور و ممکن نیست که نقدی بدهد. خود شاهزاده عباس میرزا چندی قبل شکایت داشتند و اظهار می نمودند در فلان محل گندم دارم و بفروش میرسد.

حالا يك وقت باران نمی آید و اوضاع هوا اینطور میشود این مسئله دیگری است همه ساله را نباید اینطور فرض کرد. ما میتوانیم وقتی مالیات را نقدی کنیم که در تمام مملکت راه آهن باشد و الا اسباب زحمت کثلی برای مردم فراهم بیاید بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

بعضی گفتند - کافی نیست رئیس - برای میگیریم آقایانیکه در ماده دوم مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند (جمع کثیری قیام نمودند)

رئیس اکثریت است پیشنهادها قرائت میشود. پیشنهاد شاهزاده محمدولی میرزا (بشرح ذیل خوانده شد) تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم علاوه بر ماده دوم بشود:

مودیان مالیاتی میتوانند تا میزان دو خروار از جنس بدی خود را مسترد بقیمت عادلانه ببالیه بپردازند.

رئیس - آقای محمدولی میرزا (اجازه)

محمد ولی میرزا - هر چند که بنده اجازه خواسته بودم در موقع مذاکرات راجع بماده هراضی عرض کنم چون موقع نرسید لذا این پیشنهاد را بطور تبصره عرض کردم تا چند کلمه بمرض آقایان برسانم آقایان موافقت تسعیر که بطور کلی عقیده دارند مالیات تسعیر و تبدیل بنقد بشود يك ادله هم بر طبق نظریه خود اظهار کردند البته این يك موضوعی است که همه تصدیق دارند حتی اظهارات آقای معاون وزارت مالیه هم هیچ نوع مخالفتی باین این نظریه نداشت امروزه مالیات جنسی در دنیا بر طرف شده و مالیات نقدی مرجعتر است و از نظر تسهیلات بهتر است.

ولی این ماده بطریقی که مطرح شد آقایان ملاحظه بفرمائید در کمیسیون باین واسطه این شکل نوشته شد که اصلاح جنس که ما خود میشود در اکثر نقاط ایران دارای عماد خارجی است و مخصوصاً در قسمت اعظم آذربایجان اینطور است چه سال خوب باشد چه بد همیشه يك مواد خارجی در محصول است و مأمورین مالیه از گرفتن این قبیل جنسها مستنکفند و می گویند این جنس برای مصرف ارزاق عمومی خوب نیست و بد در خارجی نمیخورد و این موضوع همیشه مورد بحث و شکایت است کمیسیون مخصوصاً توجه فوق العاده باین شکایت داشته اند و مذاکراتی در کمیسیون با آمریکائیهها و وزیر مالیه بعمل آمده مودی مالیات هم خودش را معوق میدانند زیرا وقتی جنس دارد دیگر مجبور نیست برود از جای دیگر تهیه کرده بدولت بدهد و از طرفی تازمانی که مالیات جنسی است فقط مصرفی که دولت پیدا میکند برای اداره ارزاق و نیازها است و البته اگر این اجناس خیلی مواد خارجی داشته باشد بدرد اینکار نمیخورد و اگر دولت این نوع اجناس را قبول کند برایش ضرر دارد و عمل مالیه بمودیان مالیات میگویند این جنس شاخوب نیست از طرفی هم مودیان مالیات اظهار میکنند ما آنچه از زمین روئیده مجبوریم بدهیم و در اینجا هم مأمورین مالیه ذبیق هستند از اینکه جنس بد را قبول نکنند و مالیات بدهند که جنسش بد است ذی حق است که بگوید این جنسی که من دارم و نمیتوانم بروم از ده فرسخی جنس خوب

بخرم و بیاروم بشما بدهم پس باین ترتیب چه باید بشود بغیر از این ترتیبی که کمیسیون پیشنهاد کرد چطور میشود این مسئله را حل کرد و ماده که کمیسیون پیش نهاد کرده نتیجه اش این میشود که مأمور مالیه میگوید این جنس شما بدرد مانی - خورد و شما مکلف هستید یا جنس خوب و اقیمت آن را بدهید در این جا حرف مأمورین ما لیه پذیرفته شده و راه حلی هم پیدا شده است از این جهت است که در اینجا قید شده در سر خرمن که قیمت جنس نرخ عادلانه محلی معین میشود مالیات دهند در آن موقع حق دارد بیاید و جنس را تسعیر کند و با این پولی که مأمور مالیه اخذ میکند میتواند برود و از محل دیگری جنس بهتری تهیه کند و بیارود و بآن مصرفی که لازم دارد برساند و بنده این تبصره که پیشنهاد کرده ام برای نقاط کوهستانی است اگر آقایانیکه در دوره چهارم داشته باشند این قسمت در دوره چهارم هم مذاکره شد چون نقاط کوهستانی در ایران بقدر کفایت آذوقه و خوراک سال خودشان محصول از زمین بدست می آورند من جمله در اطراف تهران و شمیرانات - در اکثر شمیرانات رعیتی که زراعت دارد و گاو - بندی دارد یک خروار و دو خروار اراضی نذر افشان ملک او است و آن رعیت اگر در سالهای خیلی خوش هم باشد فرق نمیکند بذری را که کاشتند اگر بردارد بقدر خوراک نصف سالش را ندارد و ناچار است برود و از نقاط دیگر برای خوراک خودش اکتفا کند در این صورت دور از عدالت است که مأمورین بیایند و آنچه که محصول آن نقاط است بابت مالیات جنس بگیرند چون هم اهالی را دچار عسرت میکنند و هم اینکه اساساً بطور کلی در آن نقاط ترقی اسعار میشود برای اینکه وقتیکه رعیت مجبور شد يك مقدار جنس بعنوان مالیات بدهد و برای خوراک خودش چیزی باقی نماند آن وقت ناچار است برود و از جاهای دور برای خودش جنس تهیه کند و در آن نقاط موجب ترقی اسعار خواهد شد این است که بنده اینطور پیشنهاد کردم حالا دیگر بسته بنظریات آقایان است و به نظر بنده اینطور خیلی مفید واقع میشود معاون وزارت مالیه - بطور کلی عرض میکنم که خیلی محل دقت واقع شود البته همچو بنظر می آید که در موقع عمل ممکن است این لایحه و این قانون باشکالاتی بر بخورد و لیکن این مسئله از چیز هائی است که بکطرفش حل میشود در صورتیکه طرف دیگرش هنوز رعایت نشده است همین مسئله تغییر جنس که از طرف حضرت والا پیشنهاد شده البته بمناسبت رعایت حال مودیان مالیات بوده ولی از طرف دیگر وقتی که دولت بخواهد بوسیله اداره ارزاق

مردم را راحت کند و نان را در تحت اداره خودش در آورد در آن موقع دچار اشکال میشود زیرا جنس مالیات روی هم رفته بصرف اهالی میرسد و بالاخره مالیات جنسی را غالباً باید خورده مالک بدهند مثلاً ۱۰ من و صد من و یک خروار از اینها گرفته می شود و در شهر و یا نقاطی که باید اداره ارزاق تأسیس شود در آنجا جمع میشود و بعد با اهالی داده میشود ولی اینطوریکه حضرت والا پیشنهاد کردند که فعلاً مقدار تسعیر شود چه شود موجب این خواهد شد که اداره ارزاق محل يك عملیات دوسه دوره بکند یعنی یکدفعه تسعیر کند و قیمت جنس را و از مودی مالیات دریافت کند و بعد برود و از جای دیگر کندم بخرد و بیارود و اداره ارزاق و بعد از آن بفروشد و این يك عملیاتی است که طرف از نظر مشکلاتی که برای خود اداره و خرج گزافی که برای دولت دارد ممکن است اسباب تأخیر این جریان مرتب و منظم اداره ارزاق راجع بامران بشود باین جهت است که بنده تصور میکنم اگر آقایان توجهی بفرمایند و تصرفاتی در مسئله اینک عین جنس از راهها اخذ شود در این قانون بفرمایند شاید اقرب بصلاح باشد و چنانچه عرض کردم نظائر این پیشنهاد هم ممکن است برخلاف منظور نتیجه بدهد و بنده يك نکته را قبلاً عرض کردم که دولت کاملاً متوجه است بمشکلات قضیه وصول جنس و مخارج هنگفتی که باید برای مخارج انبار و عمال آن و غیره بدهد و رعایت تمام جوانب این مسئله را باید بکند و درصد است که يك لایحه چند ماده پیشنهاد کند که دارای تمام شرایط باشد و این منظور در يك ماده از قانون بعمل آید و باید يك ترتیبی بشود که هم دولت و هم مردم از زحمت راحت شوند بنا بر این بنده تصور میکنم نسبت باین پیشنهاد و بعضی پیشنهادات دیگر که در موضوع تسعیر جنس میشود خوبست قدری خود - داری بشود.

رئیس - عقیده کمیسیون چیست؟ مخبر - رأی بگیرد رئیس - آقایانیکه پیشنهاد شاهزاده محمدولی میرزا را قابل توجه می دانند قیام فرمایند.

(دوسه نفری قیام نمودند) رئیس - قابل توجه شد. پیشنهاد آقای عدلی و آقای عباس میرزا (بعضیون ذیل قرائت گردید)

امضاء کنندگان پیشنهاد میکنم ماده ۲ بطریق ذیل نوشته شود. وزارت مالیه مکلف است در موقع ممیزی قیمت متوسط جنس هر بلوک را در سر سال اخیر تعیین نموده و از آن قرار مالیات را نقداً دریافت نماید. رئیس - آقای عدلی (اجازه)

عدلی - اولاً باید عرض کنم قانون ممیزی که اول در کمیسیون نوشته شد در مجلس بعضی از موادش محل ایراد شد و مخصوصاً نسبت بماده اول بعضی آقایان در کمیسیون حاضر شدند و مذاکراتی کردند باین ماده اول را تنظیم کردند ولی راجع ب مواد دو و سه که بیشتر متبلا به است هنوز مذاکراتی بین آقایان نشده و حالا آمده است بمجلس و این دو ماده فوق العاده اسباب زحمت است و بنده مخصوصاً آقایان محترم اعضاء کمیسیون و آقای مخبر استعما دارم که این مواد بر گردد بکمیسیون و در آنجا اصلاحاتی بشود و بعد بمجلس برگردد.

چون بعضی دردها هست که آقایانیکه در مرز هستند اطلاع ندارند ولی آقایانی که از ولایات تشریف آورده اند می دانند که این مسئله مالیات جنس گرفتن در بعضی نقاط بقدری برای مالک رعیت اسباب زحمت است که نهایت ندارد بنده راجع بآذربایجان عرض میکنم (همه نمایندگان) از آقایان تمنای میکنم التفاوت بفرمایند.

بعضی از آقایان علاقه مند نیستند و نمی دانند اینکار چقدر اسباب زحمت می شود. در خود آذربایجان ۱۰ روز ۱۵ روز ۲۰ روز بعد از اینکه بارندگی شروع شود مراد از دهات بشهر کار خیلی مشکل است اگر مالیات را بنا شود جنس بگیرند آن وقت چون دولت جنس لازم دارد از شهر مأمور می فرستند بدهات و مالکین را مجبور میکنند که این جنس را بار کنند بفرستند بشهر مالکین هم رعایا را مجبور میکنند.

حکمت - اینطور نیست

عدلی - همینطور است - ولایت ما که اینطور است اگر فارس اینطور نیست چه عرض کنم بنده از بابت ولایت خودم عرض میکنم و اهالی ولایت من هم می دانند که اینطور است وقتی که دولت محتاج شود بجنس میفرستد بدهات و مالک رعیت می گوید جنس را باید حمل بشهر کنی. آن وقت رعیتی که يك الاغ دارد باید يك نفر آدم راهم معین کند و ۱۶ من گندم را مثلا بشهر حمل کند و آن وقت از این بار آفت هست. کم بود هست. کراهتش راهم نمی دهند روز و ۱۵ روز و البته يك رعیت برای يك الاغ در شهر معطل می ماند برای اینکه به بندگی کرایه اش را می دهند خوبست اینها در کمیسیون رعایت کنند و ملاحظه بفرمایند که چطور باید بکنند رعیت از چند فرسخ راه يك مقدار جنس را عمل کند - آیا حمل کننده کیست؟ حمل کننده باین ماده همین رعیت بیچاره است که باید الاغ باید مالیات دولت را حمل کند بشهر بهر صورت بعقیده بنده این ماده بکلی مضر است بجان رعیت. برای اینکه دولت فشار بمالک وارد میکند و مالک هم

فشار بر رعیت می آورد در آن موقعی که رعیت کشت و زرع کند ناچار میشود که کار خودش را زمین بگذارد و الاغش را بر دارد و برای دولت جنس حمل کند. بنده اولاً استدعا میکنم که این ماده بر گردد بکمیسیون و اصلاح شود و اگر این استدعای بنده را قبول کنند و بقدری هم ملاحظه رعیت را بکنند که این تحمیل همه اش با آنها وارد میشود.

مخبر - اینک فرمودند در کمیسیون توجهی نشده است باین مواد عرض میکنم که اینطور نیست برای اینکه در تمام مواد کمیسیون دقت کرده و با نماینده دولت مذاکره نموده و رئیس کل مالیه و وزیر محترم مالیه را دعوت نموده و با حضور آنها این مواد را تنظیم کرده است نهایت چون ماده اول اهمیتش بیشتر بود تمام توجه نمایندگان را بخود جلب کرد و از سایر مواد بکلی غفلت کرده اند این بود که در جلسات عهده حتی ذجلسه خارج از مجلس نماینده فرا کمیسیون ها را هم دعوت نمودیم و توافق نظر پیدا کرده اند باینکه فقط نسبت بماده يك اصلاحاتی بعمل بیاید و مابقی مواد همان موادی باشد که در شور اول گذشته معذالك چون نظر باینکه اکثریت مجلس متوجه است با اصلاحات ماده دوم عقیده بنده این است که پیشنهاداتی که در این باب رسیده است مراجع بکمیسیون شود در کمیسیون تجدید نظر شود آن وقت ماده دوم بمجلس بیاید.

رئیس - خوب چون مطابق نظام نامه تقاضای ارجاع بکمیسیون را کرده اند ارجاع میشود بکمیسیون ماده سوم (اینطور قرائت شد)

ماده سوم - در املاک از بابی مودیان مالیاتی مکلفند مالیات جنس خود را بانبار محلی و یا نقاط دیگر که معین می شود در صورتیکه مسافت آن از ۵ فرسخ تجاوز ننماید حمل نمایند کرایه حمل و نقل ۲ فرسخ اول بعهده مودیان مالیاتی و ۳ فرسخ مابقی تجاوز نماید مودیان مالیاتی مختارند که غله مالیاتی را در قسمت اضافی با اخذ کرایه حمل با امتناع ورزند در صورتیکه وسائل حمل در دو فرسخ اول هم برای مودیان فراهم نشود میتوانند بنرخ عادلانه کرایه دو فرسخ را پرداخته دولت خود وسایل حمل جنس مالیاتی را فراهم نمایند.

رئیس - آقای دامغانی (اجازه)

دامغانی - در صورتیکه ماده دوم مراجع شد بکمیسیون تصور نمیکنم دیگر این ماده موضوعی داشته باشد برای اینکه معلوم نیست مالیات جنسی می شود یا نقدی اگر نقدی میشود دیگر این ماده موضوعی ندارد و عقیده بنده این است که این ماده بر گردد بکمیسیون تا تکلیف ماده دوم معلوم شود.

چهارم * رئیس- این هم می ماند برای بعد ماده

(انتظار فرات است)

ماده چهارم- موقوفات مساجد و مشاهد متبرکه و مدارس که بر حسب فرمان دولت قبل از این تاریخ از تادیه مالیات معاف و این معافیت مجری و معمول بوده من بعد هم از تادیه مالیات معاف خواهد بود

مخبر- کلمه مرخصخانه ها هم باید الحاق شود در دنبال مدارس

رئیس- آقای دامغانی (اجازه)

دامغانی- عرض ندارم

رئیس- آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی- بنده هم عرض ندارم

رئیس- آقای آقاسید یعقوب (اجازه)

آقاسید یعقوب- بنده هم موافقم

رئیس- آقای بیات (اجازه)

بیات- عرض ندارم

رئیس- مخالفی ندارد؟ (گفته شد- خیر)

رئیس- رأی می گیریم بماده چهارم بضمیمه مرخصخانه ها بمدراس آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس- تصویب شد ماده پنجم (بهمضمون ذیل قرائت شد)

ماده پنجم- کتان- کتف- نیل- رناس- نی- شکر- چغندر قند- چای و توت- تان جهت گرم ابریشم از پرداخت این مالیات برای مدت ۷ سال از تاریخ این قانون معاف است.

رئیس- آقای دامغانی (اجازه)

دامغانی- بعقیده بنده این موضوعاتی که این جا نوشته شده است کتان خام و ابریشم و غیره چون خیلی مهم است و باید در مملکت ترویج شود و تازه هم شروع شده ۷ سال معافیش کم است و عقیده بنده این است که در تمام مدت میبزی که ده سال است باید معاف شود

معاون وزارت مالیه- منظور از معافیت برای مدت ۷ سال این است که مجال بدهند بمالکین که این قبیل چیز هارا ترویج کنند و وسیله داشته باشند برای تکثیرش.

معمولا برای اینکه یک ملک آباد شود باید یک مدتی معافیت باشد چنانچه برای کدوم و چون بجال معین شده ولی برای این قسمت دو سال هم اضافه نمودند و بنده گمان میکنم بیش از ۷ سال ضرورت نداشته باشد.

رئیس- آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی- عرضی ندارم

رئیس- آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده- عرضی ندارم

رئیس- آقای آقا میرزا شهاب (اجازه)

آقا میرزا شهاب- بنده هم عرضی ندارم

رئیس- آقای عدلی (اجازه)

عدلی- عرضی ندارم

رئیس- آقای آقاسید یعقوب (اجازه)

آقاسید یعقوب- در شور اول در این ماده آقایان پیشنهاداتی کردند و ابتدائاً مخبرونه اعضاء کمیسیون در این پیشنهاد ها هیچ صحبت نکردند و پیشنهاد ما رفت بکمیسیون و اجازه داده شد که در شور اول توضیح بدهند از جمله پیشنهاد بنده بود.

ایران کلتاً ترتیبی پیدا کرد که در زراعت ها تغییر کرد مثلاً در طرف فارس سابقاً تبا کوک کمتر طالب دارد در آنجانب توتون بیشتر میکارند مثلاً در طرف مازندران بنده مستعضر هستم که توتون سیگار را شروع کرده اند زراعت کردن در بعضی جا های فارس بوده است که پنبه کاری نبود ولی حالا شروع کرده اند پنبه کاری بنده پیشنهاد کرده بودم که هر کجای ایران که دارای زراعت جدیدی است از مالیات معاف باشد و چون جامعه ملل نسبت بمالطفا دارد و میخواهد زراعت تریاک را از دست ما بگیرد ناچاریم بیک بدبختی دیگر خودمان را اداره کنیم و پنبه و توتون را زیاد کنیم بلکه ترتیبی کنیم که زراعت جدیدی برای خودمان پیدا کنیم.

این است که بعقیده بنده باید آقایان در نظر داشته باشند که در هر قطعه از قطعات ایران که بک زراعت جدیدی واقع شده است باید تا مدت ۷ سال بار حسب پیشنهاد آقای دامغانی که بنده هم موافقم تا ده سال معاف باشد برای اینکه زراعت ترویج و انتشار پیدا نماید. یا اینکه در سابق در یک جایی زراعتی بوده است و آن زراعت از بین رفته است و حالا مجدداً در آن نقطه زراعت جدیدی احداث کرده اند البته دولت و ما ناچاریم که از آنها تشویق کنیم تا اینکه در نتیجه زراعت ترویج پیدا کند از این جهت بنده این پیشنهاد را کردم و در شور اول موقع توضیح نشد و حالا توضیحاتم این بوده که عرض کردم.

رئیس- باید مجدداً پیشنهاد کنید.

مخبر- بعقیده بنده آنچه که از زراعت های جدید است در اینجا ذکر شده و آنها هم در یک قسمت از ایران معمول است در سایر قسمت ها هنوز معمول نیست و برای تشویق هم که باشد تا این اندازه کافی است و اگر چنانچه بک زراعت جدید دیگری

بنظر آقا می رسد خوب است بیست نهاد بفرمایند ولی بشرط اینکه یادگراسم باشد نه اینکه بطور مطلق بگویند هر جا که زراعت جدید باشد چون ممکن است از هر مزرعه یک زراعت جدیدی برقرار کند و زراعت های سابق شان را برای این معافیت از کار بیندازند.

جمعی از نمایندگان- مذاکرات کافی است.

رئیس- پیشنهادها قرائت میشود (شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقای دامغانی

بنده پیشنهاد میکنم موضوعات معاف از مالیات در ماده ۵ در مدت ده سال معاف باشد.

رئیس- بفرمائید.

دامغانی- از نقطه نظر اهمیت این زراعت ها و تشویق از آنها لازم است که مدت معافیت زیادتر از ۷ سال باشد و مخصوصاً باینکه یک مدتی در مالیات با عدم بصیرت مشغول زراعت میشوند و اطلاعاتی ندارند هر زراعتی تقریباً دوسه سال اول تمامش به تجربه ضرر میگردد و باید بمردم مساعدت و ارفاق کرد تا مردم موقع این تجربه ضرر هایشان بگذرد و آزموده شوند. بعلاوه این قانون میبزی اصلاً برای مدت دو سال است و قبل از ده سال هر روز که نمی شود برای هر جزئی میبزی کرد آن هم بدون تصویب مجلس پس علی ای حال چون مدت این میبزی ده سال است و قبل از این مدت هم برای هر جزئی نمی شود میبزی کرد بنا براین باید این معافیت هاتا مدت ده سال باشد که هم آنها داخل در عمل شده باشند و هم ارفاق و مساعدتی درباره رعایا شده باشد.

رئیس- رأی گرفته می شود بمقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایان موافقین قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس- قابل توجه شد. ارجاع میشود بکمیسیون بسایر پیشنهاد هارا هم اجازه می فرمائید بروید بکمیسیون (جمعی از نمایندگان صحیح است) چند دقیقه تنفس داده می- شود.

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از ۴ ربع ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس- ماده ششم (بترتیب ذیل خوانده شد)

ماده ۶- اراضی و املاک باثری که مالکین بعد از اجرای این قانون شروع به آبادی می کنند اعم از اینکه سابق محل زراعت و آباد بوده یا جدیداً احیاء می شود از زیر دست دولت اولاً معاف خواهد بود و متدرجه در ماده ۱ معاف خواهد بود.

رئیس- آقای دامغانی (اجازه)

دامغانی- بعقیده بنده اصلاً این ماده زائد است برای اینکه مالیاتی که میبزی می شود نسبت سابق خیلی تفاوت پیدا می کند و اضافه می شود و جبران آن تفاوت را باید زارعین و مالکین نکنند و البته باید آن املاک را آباد کنند یا بک املاک جدیدی احداث کنند تا بتوانند جبران آن را بنمایند و با این ترتیب یک اسباب زد و خوردی بین مالیه و مالکین وزارت معین پیدا می شود و بعلاوه موجب این می شود که مردم تشویق نشوند و املاک را آباد نکنند و بعقیده بنده این ماده اصلاً زائد است زیرا بایستی بعد از اینکه این مدت میبزی ده ساله منقضی شد مجدداً میبزی کنند و اضافه آبادی تدریجی است و بک مرتبه که نمی- شود بک ملک را آباد کرد. در اینصورت اگر بنا شود به آبادی تدریجی مالیات بیندند اسباب زحمت خواهد شد ولی بعد از اینکه ده سال طول کشید و دوباره خواستید میبزی جدید بکنید آن وقت آباد شده راهم بیاورید نحت میبزی و همان معامله که با سایر املاک آباد شده میکنند با آنها هم بکنید.

رئیس- آقای آقاسید یعقوب (اجازه)

آقاسید یعقوب- گمان میکنم آقای دامغانی چون در آنجا نوشته اند که در تمام مواد مخالف از این جهت در این ماده هم مخالفت کردند والا این ماده خیلی خوب مادام است. در این ماده می گوید رعیت یک زمین را که الان آباد میکند تا مدت پنج سال معاف باشد. (تدریجی است) یعنی چه؟ یعنی امروز گاو را می بندد یک قدری شخم میکند بعد ول میکند میرود باز فردا یک قدری دیگری آید شخم میکند؟ خیر اینطور نیست. پس نباید با تمام این لایحه مخالفت کرد و لایحه یک ماده اش هم منفع مردم باشد بنده کاملاً موافقم و اگر آقای دامغانی یک قدری توجه می فرمودند تصور میکنم هیچ ایراد رانمی فرمودند.

آقای دامغانی پیشنهاد کرده اند تا مدت ده سال معاف باشد بنده عرض میکنم همان قدری که منافع ملت را در نظر دارید. اداره کردن مملکت را هم در نظر داشته باشید والا بنده موافقم که ابتدا مالیات نباشد اما آیا با این ترتیب مملکت اداره میشود و بدون اینکه برای بیت المال وجهی تهیه کرد میتوان کاری کرد؟ بنده که گمان میکنم بلکه باید طرفین را در نظر بگیریم و تفاوت عادلانه کنیم و عادلانه هم همین ترتیبی است که این ماده را نوشته اند که برای تشویق از کسانی که یک زمین را احیاء میکنند دولت با آنها مساعدت میکند و تا ه سال از دادن مالیات آنها را معاف می دارد و این طرز هم خیلی خوب است.

جمعی از نمایندگان- مذاکرات کافی است.

رئیس- کافی است؟ (جمعی گفتند کافی است)

رئیس- پیشنهادها قرائت میشود.

پیشنهاد آقای آقاسید یعقوب

آقاسید یعقوب- مال این ماده نیست مال ماده ایست که باید بروید بکمیسیون (شرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که هر زراعت جدیدی که در قطعات مختلفه ایران می شود ۷ سال از مالیات معاف خواهد بود.

آقاسید یعقوب- بنده عرض کردم در ماده که راجع بکنت ذیل و جای بود بنده این پیشنهاد را تقدیم کردم که آنها تا ۷ سال معاف باشد و آن وقت هم عرض کردم فرمودید برمی گردید بکمیسیون

پیشنهاد شاهزاده محمد هاشم میرزا پیشنهاد میکنم در ماده ششم مدت معافیت ۷ سال باشد.

رئیس- بفرمائید

محمد هاشم میرزا- بنده به آقایان محترم یادآوری میکنم که مسئله آبادی املاک کار سهل و آسانی نیست آنها هم خصوص در مملکت ما که وقتی پول بمردم قرض میدهند صد بیست صد بیست و چهار صد ۲۰۲ ربع دارد در صورتیکه آن ملک که میخرد صدی ۸ و صد ۱۰ عایدی ندارد. (صدده که تا کنون نشنیده ایم عایدی داشته باشد) چنانچه شاید قضیه این است (بنقاط خراب ایران نمیرسیم بجای آباد میرویم) مثلاً قزوین در این چند سال نتوانی که در قزوین آباد بوده است و خراب شده آنها را هنوز آباد نکرده اند و بهمان حال خرابی باقی مانده و یقیناً آقایان هم آنها را دیده اند این برای چیست؟ (نه اینکه مردم استطاعت نداشته اند) این بواسطه این است که صرف نمیکنند برایشان زیرا بر فرض اینکه ۵ هزار تومان پولش را صرف قنات بکنند آن وقت هم اولاً آیا آباد بشود یا نشود تازه صدی ۸ برایش عایدی دارد از این جهت دنبالش نمیرود و بنده عقیده ام این است که باید از آن ها نگاهداری کرد و مساعدت و مراعاتی درباره آنها بشود. بنده تعجب میکنم از کمیسیون که برای چیزهایی که نازه کاشته می شود قائل شده است که ۷ تا سال از دادن مالیات معاف باشند در صورتیکه در سابق دولت از اینجا هم عایدی داشته است ولی در اینجا یک زمین را بزمین زرع کرده و یک نفری آمده یک قناتی کند و آباد کرده است و بعد از آبادانی هم تازه صد هشت برای خودش بیشتر نفع ندارد ده سال معافیت معتقد شده است آن هم با این ترتیب سختی که مردم در پول قرض دادن معمول داشته اند از قبیل بیع شرط و بیع قطع. بنا براین باین شکل هیچکس بغال آبادی نمی افتد در این صورت لاقول این هم مثل زراعت ۷ سال باشد زیرا کمتر از ۷ سال نمی از زده اند بنده اینطور پیشنهاد کردم دیگر بسته بنظر

آقایان محترم است که در اساس آبادی مملکت توجهی فرمایند.

معاون وزارت مالیه- رعایت حال زارع و رعیت البته یک چیزی است که مقدم بر تمام ملاحظات مخصوصاً وقتیکه نتیجه این میشود که محصول و آبادی در مملکت زیاد میشود و نظر بهمین اصل در اداراتی که مشغول این کار بوده اند آن مدتی که برای آبادی یک ملک لازم بوده است مالک مهلت داده اند و مساعدت هائی که لازم بوده است منظور داشته اند و همچنین بعنوان مختلفه مطالعه شده و بالاخره پس از مطالعات زیاد منتهی شده است باینکه ۵ سال کافی است و این هم همین چیزی است که معمول هم هست چه نسبت بمالکی که آبادی داشته است و در این اواخر از آبادی افتاده است و چه نسبت بمالکی که جدیداً آباد شده است و چیزی هم که در این ماده منظور شده است عبارتست از محصول گندم و جو و حبوبات و برای بدست آوردن این قبیل محصولات این مدت کفایت میکند برای اینکه امتحان زمین در سال اول بخوبی میشود و بعد هم نموش در سال دوم در کمال خوبی بدست می آید و محصول هم در سال سوم میزانش نسبت بمقدار زمین کاملاً بدست مالک می آید و در واقع زارع و مالک در سال سوم میتوانند میزان محصول کلیه ملک را بطوری بدست بیاورند که بخوبی بدانند از این اراضی چقدر محصول بدست می آید. ولی در مقابلش یک چیز دیگری را هم باید رعایت کرد و آن این است که همان اندازه که زارعین و مالکین اراضی را آباد میکنند در مقابل نسبت بمقدار آبادی یک مخارجی هم برای دولت پیدا میشود. اگر یک قسمت از اراضی غیر مزروع آباد شود و قلعه ساخته شود و رعیت در آنجا سکنی پیدا کنند البته آن ها منبت میخواهند نظمی میخواهند. معارف میخواهند و همینطور یک مخارج دیگری پیدا میکنند و بعد از ۵ سال یا ۷ سال دیگر باید همین مبلغ بودجه خرج را نسبت بیک مقدار آبادی های جدید صرف کرد و البته از ازدیاد آبادی باید خیلی خوشوقت باشیم و این کاریست که همه مساعی خودشان را صرف این قسمت میکنند ولی البته در مقابل باید مخارج آن ها را رعایت کرد. و اگر چه این پیشنهاد ۱۰ سال خیلی مشکل است موافقت کرد ولیکن ۷ سال که در ماده قبل کافی دانسته شده است برای یک مواد معینه ایست از قبیل ابریشم و کتف و چای و البته اینها تفاوت دارد با گندم و نخود و لوبیا زیرا باید سنواتی بگذرد تا از ابریشم و کتان و کتف فایده بردارند و این مدت را در ماده قبل لازم بوده است که بگذرد برای اینکه آن منظور بدست بیاید ولی برای اینها ۵ سال کافی است.

رئیس- بعقیده کمیسیون چیست؟

مخبر- رأی گرفته شود

رئیس- عده کافی نیست. جلسه را ختم میکنم چون ۳ نفر از اعضاء کمسیون عراض مستعفی هستند لهذا اجازه هائی که خواسته میشود همینطور بلا تکلیف می ماند این است که تقاضا شود شعبه اول و سوم در پنجم تشکیل شود ۳ نفر بجای اعضاء مستعفی معین شود بقیه مذاکرات هم می ماند برای روز شنبه (مجلس مقارن ظهر ختم شد)

رئیس- مجلس شورای ملی- حسین پیرنیا منشی- م شهاب

منشی- دکتر احتشام طباطبائی

جلسه ۲۰۴

صورت مجلس مشروح

مجلس یوم پنجشنبه نهم

مهر ماه هز اروز سید چهار

مجلس دوساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای حسینخان پیرنیا تشکیل گردید.

(سورت مجلس سه شنبه هفتم مهر ماه را آقای آقا میرزا شهاب قرائت نمودند)

رئیس- آقای دامغانی (اجازه)

دامغانی- قبل از دستور عرض دارم.

رئیس- آقای اتحاد (اجازه)

اتحاد- قبل از دستور عرض دارم.

رئیس- آقای یاسائی

یاسائی- قبل از دستور

رئیس- آقای سلطانی (اجازه)

سلطانی- بنده هم قبل از دستور عرض دارم

رئیس- آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی- بنده قبل از همه اجازه خواستم.

رئیس- آقای سهراب زاده

سهراب زاده- قبل از دستور

رئیس- آقای اخگر

اخگر- در دستور عرض دارم

رئیس- نسبت بصورت مجلس ایرادی هست یا نه؟

آقاسید یعقوب- بلی بنده در صورت مجلس عرض دارم

رئیس- بفرمائید

آقاسید یعقوب- بک پیشنهادی بنده کرده بودم راجع باراضی که زراعت تازه می شود و این در صورت جلسه نبود خواستم تذکره ای داده شود

رئیس- آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی- یکوقت یکی از مطبوعات یک مقاله نوشته بود که بعضی از ماها بعد اهمیت نمیدهیم با عدد و حساب اساساً

رئیس- این هم می ماند برای بعد ماده چهارم

(اینطور فراتر است)

ماده چهارم- موقوفات مساجد و مشاهد متبر که مدارس که بر حسب فرمان دولت قبل از این تاریخ از تادیه مالیات معاف و این معافیت مجری و معمول بوده من بعد هم از تادیه مالیات معاف خواهد بود

مخبر- کلمه مرصخانه ها هم باید الحاق شود در دنبال مدارس

رئیس- آقای دامغانی (اجازه)

دامغانی- عرض ندارم

رئیس- آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی- بنده هم عرض ندارم

رئیس- آقای آفاسید یعقوب (اجازه)

آفاسید یعقوب- بنده هم موافقم

رئیس- آقای بیات (اجازه)

بیات- عرضی ندارم

رئیس- مخالفی ندارم؟ (گفته شد- خیر)

رئیس- رأی می گیریم ماده چهارم بضمیمه مرصخانه ها بعد از مدارس آفایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس- تصویب شد ماده پنجم (به وضوح ذیل قرائت شد)

ماده پنجم- کتان- کتف- نیل- زناس- نی شکر- چغندر قند- چای و توت- تان جهت گرم ابریشم از برداشت این مالیات برای مدت ۷ سال از تاریخ این قانون معاف است

رئیس- آقای دامغانی (اجازه)

دامغانی- بعقیده بنده این موضوعاتی که این جان نوشته شده است کتان خام ابریشم و غیره چون خیلی مهم است و باید در مملکت ترویج شود و تازه هم شروع شده ۷ سال معافش کم است و عقیده بنده این است که در تمام مدت میزنی که ده سال است باید معاف شود

معاون وزارت مالیه- منظور از معافیت برای مدت ۷ سال این است که مجال بدهند بمالکین که این قبیل چیز ها را ترویج کنند و وسیله داشته باشند برای تکثیرش

معمولا برای اینکه یک ملک آباد شود باید یک مدتی معافیت باشد چنانچه برای کبهم جو پنج سال معین شده ولی برای این قسمت دوسال هم اضافه نمودند و بنده گمان میکنم بیش از ۷ سال ضرورت نداشته باشد

رئیس- آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی- عرضی ندارم

رئیس- آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده- عرضی ندارم

رئیس- آقای آقامیز شهاب (اجازه)

آقامیز شهاب- بنده هم عرضی ندارم

رئیس- آقای عدلی (اجازه)

عدلی- عرضی ندارم

رئیس- آقای آفاسید یعقوب (اجازه)

آفاسید یعقوب- در شور اول در این ماده آفایان پیشنهاداتی کردند و ابد آنه مخبر و بعضی اعضا کمیسیون در این پیشنهاد ها هیچ صحبت نکردند و پیشنهاد مارت بکمیسیون و اجازه داده شد که در شور اول توضیح بدهند از جمله پیشنهاد بنده بود ایران کلتا ترتیبی پیدا کرد که زراعت ها هم تغییر کرد مثلا در طرف فارس سابقا تانیا کو زیاد زراعت میشد ولی حالا بواسطه اینکه تانیا کو کمتر طالب دارد در آنجا توتون بیشتر میکارند مثلا در طرف مازندران بنده مستعضر هستم که توتون سیگار را شروع کردند زراعت کردن در بعضی جا های فارس بوده است که ینبه کاری نبود ولی حالا شروع کرده اند ینبه کاری بنده پیشنهاد کرده بودم که هر کجای ایران که دارای زراعت جدیدی است از مالیات معاف باشد و چون جامعه ملل نسبت با لطف دارد و میخواهد زراعت تریاک را از دست ما بگیرد ناچاریم بیک بدبختی دیگر خودمان را اداره کنیم و ینبه و توتون را زیاد کنیم بلکه ترتیبی کنیم که زراعت جدیدی برای خودمان پیدا کنیم

این است که بعقیده بنده باید آفایان در نظر داشته باشند که در هر نقطه از قطعات ایران که یک زراعت جدیدی واقع شده است باید تا مدت ۷ سال یار حسب پیشنهاد آقای دامغانی که بنده هم موافقم تا ده سال معاف باشد برای اینکه زراعت ترویج و انتشار پیدا نماید

یاسائی- یابنکه در سابق در یک جایی زراعتی بوده است و آن زراعت از بین رفته است و حالا مجددا در آن نقطه زراعت جدیدی احداث کرده اند البته دولت و ما ناچاریم که از آنها تشویق کنیم تا اینکه در نتیجه زراعت ترویج پیدا کند از این جهت بنده این پیشنهاد را کردم و در شور اول موقع توضیح شد و حالا توضیحاتم این بوده که عرض کردم

رئیس- باید مجددا پیشنهاد کنید

مخبر- بعقیده بنده آنچه که از زراعت های جدید است در اینجا ذکر شده و آنها هم در یک قسمت از ایران معمول است در سایر قسمت ها هنوز معمول نیست و برای تشویق هم که باشد تا این اندازه کافی است و اگر چنانچه یک زراعت جدید دیگری

بنظر آقا می رسد خوب است ینت نهاد بفرمایند ولی بشرط اینکه یادگراسم باشد نه اینکه بطور مطلق بگویند هر جا که زراعت جدید باشد چون ممکن است از هر مرزعه یک زراعت جدیدی برقرار کند زراعت های سابق شان را برای این معافیت از کنار بیندازند

جمعی از نمایندگان- مذاکرات کافی است

رئیس- پیشنهادها قرائت میشود (شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقای دامغانی

بنده پیشنهاد میکنم موضوعات معاف از مالیات در ماده در مدت ده سال معاف باشد

رئیس- بفرمائید

دامغانی- از نقطه نظر اهمیت این زراعت ها و تشویق از آنها لازم است که مدت معافیت زیادتر از ۷ سال باشد و مخصوصا باینکه یک مدتی در ولایات با عدم بصیرت مشغول زراعت میشوند و اطلاعاتی ندارند هر زراعتی تقریباً در سه سال اول تمامش به تجربه ضرر میگذرد و باید با مردم مساعدت و ارفاق کرد تا مردم موقع این تجربه و ضرر هایشان بگذرد و آزموده شوند

بعلاوه این قانون میزنی اصلا برای مدت دوسال است و قبل از ده سال هر روز که نمی شود برای هر جزئی میزنی کرد آن هم بدون تصویب مجلس پس علی ای حال چون مدت این میزنی ده سال است و قبل از این مدت هم برای هر جزئی میشد میزنی کرد بنا براین باید این معافیت ها تا مدت ده سال باشد که هم آنها داخل در عمل شده باشند و هم ارفاق و مساعدتی در باره رعایا شده باشد

رئیس- رأی گرفته می شود قابل توجه بودن این پیشنهاد آفایان موافقتین قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس- قابل توجه شد ارجاع میشود بکمیسیون بسایر پیشنهادها را هم اجازه می فرمائید بروید کمیسیون (جمعی از نمایندگان صحیح است) چند دقیقه تنفس داده می شود

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از ۳ ربع ساعت مجددا تشکیل گردید)

رئیس- ماده ششم (ترتیب ذیل خوانده شد)

ماده ۶- مالراضی و املاک باثاری که مالکین بعد از اجرای این قانون شروع به آبادی می کنند اعم از اینکه سابق محل زراعت و آباد بوده یا جدیداً احیاء می شود از این معافیت معاف است و تا سه سال از تادیه مالیات و این طرز هم خیلی خوب است

جمعی از نمایندگان- مذاکرات کافی است

دامغانی- بعقیده بنده اصلا این ماده زائد است برای اینکه مالیاتی که میزنی می شود نسبت سابق خیلی تفاوت بیدامی کند و اضافه می شود و جبران آن تفاوت را باید زارعین و مالکین نکنند و البته باید آن املاک را آباد کنند باینکه املاک جدیدی احداث کنند تا توانند جبران آن را بنمایند و باین ترتیب یک اسباب زد و خوردی بین مالیه و مالکین وزارت عین پیدا می شود و بعلاوه موجب این می شود که مردم تشویق نشوند املاک را آباد نکنند و بعقیده بنده این ماده اصلا زائد است زیرا بایستی بعد از اینکه این مدت میزنی ده ساله منقضی شده جدیداً میزنی کنند و باضافه آبادی تدریجی است و یک مرتبه که نمی شود یک ملک را آباد کرد در این صورت اگر بنا شود به آبادی تدریجی مالیات بیندند اسباب زحمت خواهد شد ولی بعد از اینکه ده سال طول کشید دوباره خواستید میزنی جدید بکنید آن وقت آباد شده راه هم بیارید تحت میزنی و همان معامله که با سایر املاک آباد شده میکند با آنها هم بکنید

رئیس- آقای آفاسید یعقوب (اجازه)

آفاسید یعقوب- گمان میکنم آقای دامغانی چون در آنجا نوشته اند که در تمام مواد مخالف از این جهت در این ماده هم مخالفت کردند والا این ماده خیلی خوب ماده است در این ماده می گوید رعیت یک زمین را که الان آباد میکند تا مدت پنج سال معاف باشد (تدریجی است) یعنی چه؟ یعنی امروز کشاورامی بند یک قدری شخم میکنند بعد ول میکنند می رود با فردا یک قدری دیگری آید شخم میکنند؟ خیر اینطور نیست پس نباید با تمام این لایحه مخالفت کرد و لایحه یک ماده اش هم منفع مردم باشد بنده کاملاً موافقم و اگر آقای دامغانی یک قدری توجه می فرمودند تصور میکنم هیچ این ایراد را نمی فرمودند

آقای دامغانی پیشنهاد کرده اند تا مدت ده سال معاف باشد بنده عرض میکنم همان قدری که منافع ملت را در نظر دارید اداره کردن مملکت را هم در نظر داشته باشید والا بنده موافقم که ابد مالیات نباشد اما آیا با این ترتیب مملکت اداره میشود و بدون اینکه برای بیت المال وجهی تهیه کرد بلکه باید طرفین را در نظر بگیریم و فضاوت عادلانه کنیم و عادلانه همین ترتیبی است که این ماده را نوشته اند که برای تشویق از کسانی که یک زمین را احیاء میکنند دولت با آنها مساعدت میکند و تا سه سال از دادن مالیات آنها را معاف می دارد و این طرز هم خیلی خوب است

جمعی از نمایندگان- مذاکرات کافی است

رئیس- کافی است؟ (جمعی گفتند کافی است)

رئیس- پیشنهادها قرائت میشود

پیشنهاد آقای آفاسید یعقوب

آفاسید یعقوب- مال این ماده نیست مال ماده است که باید برود بکمیسیون (بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که هر زراعت جدیدی که در قطعات مختلفه ایران می شود تا ۷ سال از مالیات معاف خواهد بود

آفاسید یعقوب- بنده عرض کردم در ماده که راجع بکنف ذیل و چای بود بنده این پیشنهاد را تقدیم کردم که آنها تا ۷ سال معاف باشد و آن وقت هم عرض کردم فرمودید برمی گردید کمیسیون

پیشنهاد شاهزاده محمد هاشم میرزا پیشنهاد میکنم در ماده ششم مدت معافیت ۷ سال باشد

رئیس- بفرمائید

محمد هاشم میرزا- بنده به آفایان معترم یادآوری میکنم که مسئله آبادی املاک کار سهل و آسانی نیست آنهم خصوص در مملکت ما که وقتی پول بمرمق می دهند صد بیست صد بیست و چهار صده و ربع دارد در صورتیکه آن ملکی که میگرد صد و ۸۰ و صد ۱۰۰ عایدی ندارد (صدده که تا اکنون نشنیده ایم عایدی داشته باشد) چنانچه شاید قضیه این است (بنظر خراب ایران نمیرویم بجای آباد میرویم) مثلا قزوین در این چند سال قنواتی که در قزوین آباد بوده است و خراب شده آنها را هنوز آباد نکرده اند و بهمان حال خرابی باقی مانده و یقیناً آفایان هم آنها را دیده اند این برای چیست؟ نه اینکه مردم استطاعت نداشته اند (این بواسطه این است که صرف نمیتکنند برایشان زیرا بر فرض اینکه ۵ هزار تومان پولش را صرف قنات بکنند آن وقت هم اولاً آیا آباد بشود یا نشود تازه صدی ۸۰ برایش عایدی دارد از این جهت دنبالش نمیروند بنده عقیده ام این است که باید از آن ها نگاهداری کرد و مساعدت و مراعاتی در باره آنها بشود بنده تعجب میکنم از کمیسیون که برای چیزهایی که نازه کاشته می شود قائل شده است که تا ۷ سال از دادن مالیات معاف باشند در صورتیکه در سابق دولت از اینجا هم عایدی داشته است ولی در اینجا که یک زمین نیم یزرع بوده و یک نفری آمده یک قناتی کند و آباد کرده است و بعد از آبادانی هم تازه صد هشت برای خودش بیشتر نفع ندارد ده سال معافیت معتقد شده است آن هم با این ترتیب سختی که مردم در پول قرض دادن معمول داشته اند از قبیل بیع شرط و بیع مقسط بنابراین باین شکل هیچکس بخال آبادی نمی افتد در این صورت لافاقل این هم مثل زراعت ۷ سال باشد زیرا کمتر از ۷ سال نمی از زده اند بنده اینطور پیشنهاد کردم دیگر بسته بنظر

آفایان معترم است که در اساس آبادی مملکت توجهی بفرمایند

معاون وزارت مالیه- رعایت حال زارع و رعیت البته یک چیزی است که مقدم بر تمام ملاحظات مخصوصاً وقتیکه نتیجه این میشود که محصول و آبادی در مملکت زیاد میشود و نظر به همین اصل در اداراتی که مشغول این کار بوده اند آن مدتی که برای آبادی یک ملک لازم بوده است مالک مملکت داده اند و مساعدت هائی که لازم بوده است منظور داشته اند و همچنین بعنوانین مختلفه مطالعه شده و بالاخره پس از مطالعات زیاد منتهی شده است باینکه ۵ سال کافی است و این هم همین چیزی است که معمول هم هست چه نسبت با ملاکی که آبادی دایر بوده است و در این از اواخر از آبادی افتاده است و چه نسبت با ملاکی که جدیداً آباد شده است و هبارتست از محصول گندم و جو و حبوبات و برای بدست آوردن این قبیل محصولات این مدت کفایت میکند برای اینکه امتناع زمین در سال اول بخوبی میشود و بعد هم نموش در سال دوم در کمال خوبی بدست می آید و محصول هم در سال سوم میزانش نسبت بمقدار زمین کاملاً بدست مالک می آید و در واقع زارع و مالک در سال سوم میتوانند میزان محصول کلیه ملک را طوری بدست بیاورند که بخوبی بدانند از این اراضی چقدر محصول بدست می آید ولی در مقابلش یک چیز دیگری را هم باید رعایت کرد و آن این است که همان اندازه که زارعین و مالکین اراضی را آباد میکنند در مقبل نسبت به مقدار آبادی یک مخارجی هم برای دولت پیدا میشود اگر یک قسمت از اراضی غیر مزروع آباد شود و قلعه ساخته شود و رعیت در آنجا سکنی پیدا کنند البته آن ها منبت میخواهند نظیم میخواهند معارف میخواهند و همینطور یک مخارج دیگری پیدا میکنند و بعد از ۵ سال ۷ سال دیگر باید همین مبلغ بودجه خرج را نسبت بیک مقدار آبادی های جدید صرف کرد و البته از ازدیاد آبادی باید خیلی خوشوقت باشیم و این کاریست که همه مساعی خودشان را صرف این قسمت میکنند ولی البته در مقابل باید مخارج آن ها را رعایت کرد و اگر چه این پیشنهاد ۱۰ سال خیلی مشکل است موافقت کرد ولیکن ۷ سال که در ماده قبل کافی دانسته شده است برای یک مواد معینه است از قبیل ابریشم و کنف و چای و البته اینها تفاوت دارد با گندم و نخود و لوبیا زیرا باید سنواتی بگذرد تا از ابریشم و کتان و کنف فایده بردارند و این مدت را در ماده قبل لازم بوده است که بگذرد برای این که آن منظور بدست بیاید ولی برای اینها ۵ سال کافی است

رئیس- عقیده کمیسیون چیست؟

مخبر- رأی گرفته شود

رئیس- عده کافی نیست ۵ جلسه را ختم میکنیم چون ۳ نفر از اعضاء کمیسیون عراض مستعفی هستند لهذا اجازه هائی که خواسته میشود همینطور بلا تکلیف می مانده این است که تقاضا بشود شعبه اول و سوم پنجم تشکیل شود و ۳ نفر بجای اعضاء مستعفی معین شود بقیه مذاکرات هم می ماند برای روزه شنبه (مجلس مقارن ظهر ختم شد)

رئیس- مجلس شورای ملی- حسین پیرنیا منشی- م شهاب

منشی- دکتر احتشام طباطبائی

جلسه ۴۰۴

صورت مجلس مشروح

مجلس یوم پنجشنبه نهم

مهر ماه هزار و سیصد و چهار

مجلس دوساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای حسینخان پیرنیا تشکیل گردید

(سورت مجلس سه شنبه هفتم مهر ماه را آقای آقامیرزا شهاب قرائت نمودند)

رئیس- آقای دامغانی (اجازه)

دامغانی- قبل از دستور عرض دارم

رئیس- آقای اتحاد (اجازه)

اتحاد- قبل از دستور عرض دارم

رئیس- آقای یاسائی

یاسائی- قبل از دستور

رئیس- آقای سلطانی (اجازه)

سلطانی- بنده هم قبل از دستور عرض دارم

رئیس- آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی- بنده قبل از همه اجازه خواستم

رئیس- آقای سهرابزاده

سهرابزاده- قبل از دستور

رئیس- آقای اخگر

اخگر- در دستور عرض دارم

رئیس- بفرمائید

آفاسید یعقوب- یک پیشنهادی بنده کرده بودم راجع باراضی که زراعت تازه می شود و این در صورت جلسه نبود خواستم تذکری داده شود

رئیس- آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی- یکوقت یکی از مطبوعات یک مقاله نوشته بود که بعضی از ماها بعد از اینها ۵ سال کافی است

رئیس- عقیده کمیسیون چیست؟

مخبر- رأی گرفته شود

موافقت نداریم هیچوقت نمیخواهیم بفهمیم که در دو تا حتما چهار تایی شود این یک اخلاقی است شاید بکنفر دارای این اخلاق نباشد ولی طرف حمله بنده شخص نیست این یک اخلاق اجتماعی است که ممکن است خیلی درش بحث شود ولی جایش اینجا نیست مقصود بنده این است که غالباً ما در بعضی مسائل نمیخواهیم حساب را دخالت بدهیم و بعد اهمیت بدرود دوم که متاسفانه شهر ما اصفهان شاید یک و کلای زورمند قوی امثال آقای تقی زاده و آقای مستشار الدوله نداشتند در تقسیم و کلا بولایات آن اندازه ها عدالت نسبت بشهر اصفهان بعمل نیامد در این عقیده شاید اغلب یا عموم آفایان بامن موافق باشند که شهر اصفهان با توابع آن چهارم محل و فریدن از یکطرف وارد که بخاک یزد منتهی میشود از یکطرف و کرون و دوق که بخاک کاشان منتهی میشود از یکطرف بالاخره یک همچو شهر برجیستی کیش از یانصد هزار نفر جمعیت دارد هر کس هم که به وضیعت جغرافیائی آشنا باشد تصدیق می کند که اصفهان با توابعش یانصد هزار جمعیت بیشتر دارد

با اینحال بشهر اصفهان بیش از پنج نفر وکیل حق نداده اند و در آن موقع هم چون مردم باصول مشروطیت آشنا نبوده نه کلای اصفهان و نه اهالی باین موضوع چندان اهمیت ندادند

جاهای دیگر را بنده عرض نمیکنم شاید آنها هم بحق خودشان رسیده باشند مثلا بکرمان یا جاهای دیگر هم ظلم شده که درست حق آنها را ریایمال کرده اند بجای دیگر نشده اصفهان مطابق احصائیه که اخیراً وزارت داخله تهیه کرده و بنده در این مسافرتی که کردم تحقیق کردم شاید دولت از مجال اصفهان هم عدد حقیقی را بوزارت داخله نداده اند و ترسیده اند

مالیات سر شماری بر آنها تحمیل شود شاید جمعیتشان را نصف بلکه نالت گفته اند حتی آن مأمور دولت هم که برای احصائیه سر شماری معین شد او هم شاید همدأ یک عده که کمتر گفته باشد که مبادا بخواهند مالیاتی تحمیل کنند و بکنند با اهالی مساعدت کرده باشد و باها ترحم کرده باشد

با اینحال نهصد هزار و کسری جمعیت اصفهان را تخمین زده اند بنده می بینم که کمیسیون معترم انتخابات ابتدا توجهی باین موضوع نکرده است بنده که یکی از طرفداران اصلاح قانون انتخابات هستم اساساً طرفداریم بود که باید از روی مساوات انتخابات در تمام